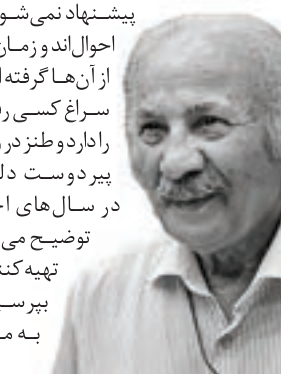


پیر شدیم و به ما کار نمی‌دهند



سعید پیردوست بازیگر سینما و تلویزیون که دهه ۸۰ در بیش از ۶ سریال طنز مه‌ران مدیری به ایفای نقش پرداخته‌است، باور دارد، علت اینکه آثار طنز تلویزیونی دیگر آن محبوبیت گذشته را میان مردم ندارند، جای خالی افراد متخصص است، به گزارش ایسنا او در این‌باره می‌گوید: «لان تمام بازیگران سعی می‌کنند کار طنز انجام دهند و این درست نیست، باید کسانی که در این زمینه تخصص دارند کار کنند؛ مثلاً فکر کنید نجاری برود آهنگری کند و

یا آهنگری برود بنایی کند، طنز هم نیاز به تخصص دارد و چیزی است که در وجود آدم است، اگر بخواهیم بازور از یک بازیگر بازی طنز بگیریم کیفیت لازم را ارائه نمی‌دهد، ما بازیگران خوبی داریم که یاسنشان زیاد شده و یا شرایط طوری شده که دیگر کار به آن‌ها



پیشنهاد نمی‌شود عده‌ای هم مریض احوال‌اند و زمان حس و حال این کار را از آن‌ها گرفته‌است، در حالی که باید سراغ کسی رفت که تخصص این کار را دارد و طنز در وجودش است.»

پیردوست دلیل کم کار شدنش در سال‌های اخیر را نیز این‌گونه توضیح می‌دهد: «این را باید از تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها پرسید، چون پیر شدیم به ما کار نمی‌دهند. این

کاریکاتوریستی برای تمام نسل‌ها

درباره حسن توفیق سومین مدیر مسئول نشر به «توفیق» که یازدهم خرداد درگذشت



امیرمنصور رحیمیان

بعضی وقت‌ها لازم نیست در مورد کسی، زیاد پرچا‌نگی کرد، بهتر است حرف‌م را اصلاح کنم، اصلانی‌شود در مورد این رقم آدم‌ها و راجی کرد، مخصوصا که طرف اهل قلم باشد و خودش روزنامه و جریده چاپ کند و یا چاپ

می‌کرده است، این قسم از شخصیت‌ها هر حرفی که قرار بوده بزنند را قبل‌تر از این زده‌اند و یا دارند می‌زنند و این‌قدر آدم حساسی هم دوروبرشان پر است که لایذ کتابی و مقاله‌ای یا چیزی در موردشان چاپ شده است، حالا اگر کاری که می‌کنند یا کرده‌اند هم پر مخاطب باشد که دیگر نورعلی‌نور است، مردم هم به یاد می‌آورندشان و هر کس با زبان خودش از او حرف می‌زند و خاطره‌اش را زنده می‌دارد، پس بحث تحلیل و این‌ها نیست.

یعنی نمی‌خواهم در این مقال و مجال اندک، زندگی‌نامه و شرح ماقوع بدهم، خوب مقدمه قرار نبود این‌قدر طولانی بشود، خبر خیلی کوتاه و مختصر بود، «حسن توفیق» درگذشت، روز ۱۱ خرداد، همین دو روز پیش، قلبش بعد از ۹۵ سال، به ناگاه دیگر نمی‌زند.

اگر می‌شناسیدش که ویجی، ولی اگر او را نمی‌شناسید باید بگویم، این آدم یکی از ارکان کاریکاتور و طنز مملکت بود، حسن توفیق یکی از مؤسسان و مدیران مجله فکاهی و طنز توفیق و در همان حال کاریکاتور یست همان مجله بود، خیلی ساده می‌توانید با یک جست‌وجو در اینترنت خط و ربط توفیق، با پیشینه طنز و کاریکاتور ایران را بیابید، خط و ربطی که آن‌قدر عمیق و پرنگ است که در این چند روز، آدم‌های گنده و معروف در جراید مختلف، این‌قدر مطالب پرطمطراق برایش نوشته‌اند که این نوشته جایی در بین آن‌ها ندارد.

ولی من سعی می‌کنم از منظر دیگری به او نگاه کنم، می‌خواهم از احساس عده‌ای از مردم ساده و عادی که نه قلم دستشان است و نه تربیونی دارند حرف بزنم، عده‌ای که به قدر یک یاد و نسل، عقب‌تر از نسل ما هستند و پراکندگی‌شان به وسعت یک مملکت است، من بعدازظهر یکشنبه بود که این‌خبر را شنیدم.

در حالی که دنبال چیزی می‌گشتم، لای سیلاب اطلاعات پراکنده در اینترنت، به موج این‌خبر رسیدم، شنیدن پا از میان کشیدن و نبود توفیق، کمی ترسناک بود، اینکه «میرزا قشمشم» و «شرمسار خشن» (نام‌های مستعار حسن توفیق در نشریات)

دیگر قرار نیست که باشند، دردناک است، سربش وقتی خبر مرگ توفیق را به پدرم دادم، روی تشکچه‌اش، گوشه حیاط، نشسته بود و کتاب می‌خواند.

چایش هم کنارش بخار می‌کرد، کتاب را آورد پایین

و با حیرت و عصبانیت به من خیره شد، انگار تکه‌ای از گذشته‌اش را شکانده بودم و همه این اتفاقات تقصیر من بوده است، خواست بداند که جدی می‌گویم یا می‌خواهم با او شوخی بی‌مزه‌ای بکنم؟ وقتی گفتم قضیه جدی است، کتاب را بست و خیره شد به شکستگی چند آجر روی دیوار، بعد آهسته گفت: «خدا بیامرزدش، یادم است که مجله توفیقش را می‌خریدم، همیشه هویدا (یکی از نخست وزیران رژیم پهلوی دوم) را شبیه بادمجان می‌کشید، یک بادمجان شکم گنده و بی‌ریخت، از همان‌ها که آدم با دیدنش سریع یاد آدم‌های بادمجان دور قاب‌چین می‌افتد، با همه هم شوخی می‌کرد، آن‌هم چه شوخی‌ها یی.

وکیل و وزیر برایش فرقی نمی‌کرد، همه را می‌آورد توی گود و می‌انداخت گوشه رنگ، برای ما که آن وقت‌ها جوان بودیم و زورمان به هیچ‌کدام از حضرات نمی‌رسید و دلمان از آن‌ها پر بود، خوب می‌شد.

وقتی می‌دیدم که مثلاً هویدا را شکل مضحکی کشیده و از شوخی کردن با همه چیز و همه‌کس در مجله‌اش کوتاهی نمی‌کند، دلمان خنک می‌شد، این خاطرات هیچ‌وقت از ذهن من و خیلی از آدم‌های هم‌سن و سال من پاک نمی‌شود و یک روزنامه‌نگار یا چه می‌دانم خبرنگار، مگر چیز دیگری می‌خواهد جز اینکه مردم بعد سی‌چهل سال هم یادش بیفتند؟»

بابا راست می‌گفت، همین که جامعه آدمی را بعد این همه سال فعالیت مطبوعاتی نکردن، به یاد می‌آورد، خودش نشان دهنده این است که آن آدم کارش را بلد بوده و ضربه‌هایش دقیق به هدف خورده‌اند، مردم حسن توفیق را به نام وکیل پایه یک دادگستری نمی‌شناسند، وکیلی که دفترش در خیابان ولیعصر، سه‌راه توابین بود و لایذ خیلی از پرونده‌ها را هم برنده شده بود، مردم حسن توفیق را با نام مجله‌اش و میرزا قشمشم به یاد می‌آورند، مجله‌ای که قبل از به دنیا آمدن نسلی از آدم‌ها که الان عزادارش هستند، تعطیل شده بود.

پخش دومستنداز شبکه دو

شبکه دو سیما هم‌زمان با سی‌ویکمین سالگرد رحلت رهبر کبیر انقلاب و قیام خویین ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ دو مستند را روی آنتن می‌برد، بر این‌اساس مستند «روح…» که در گروه سیاسی شبکه دو پخش و از سوی محسن یحیایی تهیه شده چهارشنبه ۱۴ خرداد ساعت ۲۱:۰۰ پخش خواهد شد، این مستند به روند شکل‌گیری قیام امام و مبارزات تا زمان از تحال ایشان می‌پردازد، همچنین مستند «انقلاب سفید» نیز با تمرکز بر بازخوانی زمینه‌های شکل‌گیری قیام ۱۵ خرداد دیگر برنامه‌ای است که برای پخش در این ایام از شبکه دو سیما در نظر گرفته شده‌است، این برنامه پنجشنبه ساعت ۲۱:۰۰ روانه آنتن می‌شود.

«بچه‌مهندس» در ایستگاه پایانی

آخرین قسمت مجموعه تلویزیونی «بچه‌مهندس ۳» به کارگردانی علی‌غفاری و تهیه‌کنندگی سعید سعدی، امشب از شبکه دوم سیما پخش می‌شود، داستان این مجموعه در تاریخ معاصر و در سه فاز کودکی، نوجوانی و جوانی پسری به اسم جواد جوادی مطرح می‌شود و زندگی پسری را به تصویر می‌کشد که در کودکی ا‌ها شده و در پرورشگاه بزرگ می‌شود، نقش کودکی جواد جوادی (فصل اول) را یونا تدین بازیگر مشه‌دی سینما و تلویزیون و نقش نوجوانی (فصل دوم) را مانی رحمانی ایفا کردند، همچنین در فصل سوم سریال بچه‌مهندس، روزبه حصاری نقش جوانی جواد جوادی را بر عهده داشت، فصل سوم این مجموعه با آغاز ماه رمضان ۹۹ روی آنتن شبکه دو سیما رفت و حال بعد از گذشت بیش از یک ماه قرار است به پایان برسد.

برگزاری بزرگداشت آنلاین (علی‌اصغر بهاری)

آیین بزرگداشت استاد علی‌اصغر بهاری به صورت آنلاین برگزار خواهد شد، به مناسبت بیست‌وپنجمین سالروز درگذشت این هنرمند، بزرگداشت او با حضور و سخنرانی اساتید کمانچه‌نوازی و اجرای کمانچه در لایو صفحه اینستاگرام «کمانچه»، پخش می‌شود، این برنامه ساعت ۲۱، روزهای ۱۹ و ۲۰ خرداد با حضور شهرام صارمی و مسعود توسلی برگزار می‌شود، لازم به ذکر است، علی‌اصغر بهاری از استادان موسیقی ایرانی و نوازنده برجسته کمانچه در سال ۱۳۷۴ درگذشت، او در دهه ۱۳۶۰ با فرامرز پایور، جلیل شهناز، محمد اسماعیلی و سعیدمحمد موسوی، در «گروه اساتید موسیقی ایران»، همکاری داشت.

گزیده‌ای از فیلم‌های سینمایی شبکه‌های مختلف صدا و سیما که در آخر هفته ۱۵، ۱۶ و خرداد ماه روی آنتن تلویزیون می‌روند.

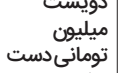
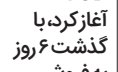
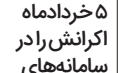
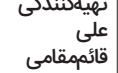
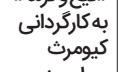
نام فیلم	شبکه	روز	ساعت
یازده دقیقه و سی ثانیه	سه	چهارشنبه	۱۰
تبغ و ترنج	شما	چهارشنبه	۱۳:۳۰
بازمانده	کودک	چهارشنبه	۱۴
چ	سه	چهارشنبه	۱۴:۳۰
آفتاب و زمین	دو	چهارشنبه	۱۷
پایه‌پای آفتاب	امید	چهارشنبه	۱۷:۴۵
اینجا چراغی روشن است	نمایش	چهارشنبه	۲۱
هریت	نمایش	چهارشنبه	۲۳
سکوت خدا	یک	پنجشنبه	۹
ملک سلیمان	نمایش	پنجشنبه	۱۳
افسانه‌ماردوش (قسمت سه)	کودک	پنجشنبه	۱۴
به وقت شام	سه	پنجشنبه	۱۶
صدای منو می شنوید؟	دو	پنجشنبه	۱۷
افسانه درخت	امید	پنجشنبه	۱۷:۴۵
مارپیچ (قسمت یک)	نمایش	پنجشنبه	۱۹
نجات لنینگراد	چهار	پنجشنبه	۲۰:۳۰
شب واقعه	نمایش	پنجشنبه	۲۱
بازماندگان۱۸۹۸ فیلیپین	نمایش	پنجشنبه	۲۳
طعم شیرین خیال	سه	جمعه	۱۰
کلابی‌غول‌بیکر	کودک	جمعه	۱۴
اسرار رسمی	یک	جمعه	۱۶
جوی	دو	جمعه	۱۷
یک پلیس و تصفی	امید	جمعه	۱۷:۴۵
مارپیچ (قسمت دو)	نمایش	جمعه	۱۹
راننده	سه	جمعه	۱۹
جنگ جریان	چهار	جمعه	۲۰:۳۰
قاعده بازی	نمایش	جمعه	۲۱
استاد دروغ	نمایش	جمعه	۲۳



روزنامه شهرامید ورزشکی

۳شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ شماره ۳۱۱۹

۱۵



این موزه با موزه‌های آنگینو و سفال تفاوت دارد.

نیاید به قرار دادن چند شیء قدیمی در آن بسنده کرد، علاوه بر همه این‌ها، این موزه پس از بازگشایی نیاز به به‌روزرسانی مداوم دارد، باید هر سال اتفاقات تازه‌ای که در انیمیشن ایران رخ می‌دهد به آن اضافه شود، باید قبل از شروع به کار و در مرحله طراحی به فکر ارتقا و تغییر فیزیکی و محتوایی این موزه بود.» کارگردان فیلم انیمیشن سینمایی «تهران ۱۵۰۰» تأکید دارد نیاید به در معرض دید گذاشتن افتخارات انیمیشن ایران و نمایش چند فیلم انیمیشن اکثفا کنیم او می‌گوید: «باید برای این موزه به اندازه کافی هزینه شود تا توقع‌ها را برآورده کند، که اگر چنین باشد اتفاق بزرگ و بدیعی برای انیمیشن در ایران

قرار است موزه‌ای برای انیمیشن در ایران راه‌اندازی شود باید بخشی از آن موزه به این استادان اختصاص داده شود: «موزه باید مکانی باشد تا حتی کسی که هیچ آشنایی با انیمیشن ندارد و به آنجا وارد می‌شود، چیزی دستگیرش شود، این اتفاق باید به واسطه آشنایی افراد با تاریخچه انیمیشن جهان و ایران و بزرگان انیمیشن بیفتد، باید نمونه آثار بزرگان این رشته، نشانه و یادگاری از آن‌ها، سرنوشتی که پیدا کرده‌اند، کارها و خدماتی که انجام داده‌اند را در موزه نمایش داد، همچنین باید افتخارات انیمیشن ایران در معرض عموم قرار گیرد، با انجام کارهایی از این دست موزه‌ای ارزنده برای این هنر ایجاد خواهد شد.»

«کشتارگاه» خصبصه شجاعانه و قابل احترام بی‌توجهی به گیشه را از خودش نشان داده و برای کشاندن مخاطب به سینما از اعتبار یا محبوبیت هیچ بازیگری استفاده نکرده است، او مجموعا در زمینه بازی گرفتن از بازیگران هم بد کار نکرده و بازی خیلی بدی در میان چهار هنر پیشه اصلی فیلم وجود ندارد، اگر چه الحاق کردن ویژگی‌های پر تعداد و مصنوعی از قبیل شتل، خودروی شاسی بلند و طراحی لباس و گریم اغراق شده، شانس ارائه یک اجرای خوب را از بازیگر شخصیت متولی، سلب می‌کند.

بهترین بازی «کشتارگاه» را دقیقاً همان کسی ارائه می‌کند که احتمالاً هیچ‌کس انتظارش را ندارد، حسن پورشیرازی که در جشنواره سال گذشته هم بازی خوبی را در فیلم «قسم» به کارگردانی محسن تنابنده به نمایش گذاشته بود، علی‌رغم شرایط فیزیکی خاص و وزن بالا، انعطاف بدنی جالبی از خود نشان می‌دهد و با تسلط بر چهره و بیان باورپذیرش، به دل مخاطب می‌نشیند، اما سه بازیگر اصلی دیگر فیلم که پورشیرازی را احاطه کرده‌اند و دست بر قضا هر سه نفر در خانواده‌های سینمایی پرورش یافته‌اند، در حد و اندازه‌های مورد انتظار ظاهر نمی‌شوند، مانی حقیقی (در نقش متولی) از آنجای ضعیف و گیشه‌ای سال‌های اخیرش در نقش‌های کمدی فاصله گرفته، اما خودش هم خوب می‌داند که توقعات از او در سینمای ایران بسیار بیشتر از ایفای یک نقش مکمل ساده است، باران کوثری شمه‌ای از آن باران «روز سوم» را ندارد و فرسنگ‌ها دور‌تر از روزهای اوجش به نظر می‌رسد، اما امیرحسین فتحی، در نخستین تجربه سینمایی جدی‌اش، به راه طولانی پیش روی خود تا رسیدن به موفقیت می‌اندیشد و تلاش زیادی از خودش نشان می‌دهد؛ هرچند خلاقیتش در بازیگری برای این نقش کم است و در برهه‌هایی از فیلم، متأثر از ستاره سال‌های اخیر سینمای ایران در نقش‌های این‌چنینی، یعنی نوید محمدزاده، ظاهر می‌شود.

بخشی از ماکت انیمیشن معروف «قصه‌های بازار»، ساخته عیدا ... علیمراد که اکنون در موزه کودک نگهداری می‌شود